

معجم موضوعی

مباحث علم اصول

از عصر
تا
محققین (۱۲۷۶ھ)
صاحب نوافل الکلام (۱۲۶۶ھ)

جلد اول

گردآورنده
محمد حسن ربانی



سرشناسه : ربانی، محمدحسین
عنوان و نام پدیدآور : معجم موضوعی مباحث علم اصول / گردآورنده محمدحسن الربانی.
مشخصات نشر : مشهد : ارسلان، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری : ۲ ج. در یک مجلد (۱۱۲۴ ص).
شابک : ۳۰۰۰۰ ریال ۹-۵۷-۵۴۲۰-۶۰۰-۹۷۸-۹۷۸ : 978-600-5420-57-9
وضعیت فهرست نویسی : فیا
موضوع : اصول فقه شیعه -- فهرست مطالب
موضوع : اصول فقه شیعه -- کتابشناسی
رده بندی انگار : ۱۳۹۲ م ۶/۸/۲۰۱۵۹ BP
رده بندی دیوید : ۲۹۷/۳۱۲
شماره کتابشناسی : ۳۳۵۰۰۰

نام کتاب: معجم موضوعی مباحث علم اصول جلد ۱ و ۲

تألیف: محمد حسن ربانی

ناشر: انتشارات ارسلان

نوبت چاپ: اول

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

لیتوگرافی: مشهد اسکنر

چاپ: شمس

صحافی: حافظ

قطع: وزیری جلد یک ۴۴۶ صفحه جلد دو ۶۳۸ صفحه

شابک: ۹-۵۷-۵۴۲۰-۶۰۰-۹۷۸-۹۷۸

قیمت: ۳۲۰۰۰ تومان

بسم الله الرحمن الرحيم

رون تردید در میان علومی که به عنوان پایه و اساس فقه باید مورد توجه قرار گیرند جایگاه علم اصول برتر و والاتر می‌نمایاند. علومی که در رسیدن به اجتهاد دخالت مستقیم و غیرمستقیم دارند بسیارند ولی هیچ کدام دارای منزلت علم اصول نمی‌باشند؛ به ویژه اگر غرض کبری که اجتهاد شیعه وارد مرحله جدیدی شد، نگارش علم اصول چهره جدیدی به خود گرفت و روز به روز با تالیف کتابها و رساله‌ها تکامل این علم مورد توجه عالمان قرار گرفت. از آثار برجسته اوایل دوره غیبت کبری رساله محمد بن محمد بن النعمان معروف به شیخ مفید (۴۱۳ ه.ق) است که کراچکی در کنز الفوائد خود از آن یاد کرده است.

پس از وی شاگردش سید مرتضی علم‌الهدی (۱۳۶۸ ه.ق) با نگارش کتاب ارزشمند و محققانه خود به نام الذریعه مجموعه‌ای سترگ از اصول و ادب پیش روی مجتهدان قرار داد؛ و ابواب ضروری علم اصول را نگارش کرد و سید مرتضی با احاطه کامل بر متون اصولی و فقهی شیعه و نیز اطلاع آن از آراء و نظریات عالمان سنی؛ الذریعه را تألیف کرد، و به آراء عالمان سنی نیز اهمیت فراوان داد. او در حقه مقارن نیز با نگارش الانتصار و شرح ناصریات و رساله‌های دیگر اصولی و فقهی، بار علمی شیعه را غنا بخشید.

پس از سید مرتضی علم‌الهدی (۱۳۶۸ ه.ق) شاگرد دیگر شیخ مفید و سید مرتضی؛

یعنی ابو جعفر اول محمد بن الحسن الطوسی (۴۶۰ هـ ق) مجموعه‌ای محبوب تر و منظم تر از الذریعه در علم اصول تألیف کرد. او از سه منظر به علم اصول نگریست: ۱. با نگاه به تحقیقات استاد اول خود یعنی شیخ مفید آراء و نظریات او را مطرح کرد.

۲. با توجه به الذریعه سید مرتضی توانست تحلیلی جامع از دو مکتب اصولی سید مرتضی و سید مرتضی ارائه دهد.

۳. از جهت روشنگری او بر آن دو مجموعه و آثار عامه تألیف کتاب العدة فی اصول الفقه شد.

کتاب العدة شیخ طوسی جایگاه ویژه‌ای در علم اصول به خود اختصاص داد و تفاوت‌های نگرشی خصوصاً در آن دو به نتیجه مطلوب رسید. در حالی که شیخ مفید و سید مرتضی بر انکار حجیت خبر واحد پای می‌فشارند، در نقطه مقابل، شیخ طوسی بر حجیت آن اصرار دارد؛ شیخ طوسی به لحاظ تألیفات رجالی که به پایان برده بود، آراء خاص رجالی را نیز در بحث خبر واحد آورد.

پس از شیخ طوسی پیروان او و بلکه پیروان شیخ طوسی مثلاً شیخ ثلاثه هیچ ظهور و بروزی در علم اصول نداشتند. سید ابوالمکارم ابن زینره حلی (۵۸۵ هـ ق) با تألیف الغنیة إلى علم الأصول والفروع مقدمه‌ای در علم اصول بر آن دو به برگرفته از العدة فی اصول الفقه شیخ طوسی است.

نجم الدین جعفر بن الحسن الحلّی (۶۷۵ هـ ق) معروف به محقق حلّی (ابو اول) با تألیف معارج الاصول، این علم را سر و سامان داد. او پاره‌ای از مباحث کلامی را که در علم اصول جای داده شده بود کنار زد و همچون فقه که از نگارش ساده و روانی برخوردار است، معارج الاصول را نگاشت، محقق حلّی آخرین حلقه فقیهان متقدم است، و پس از او دوره متأخران آغاز می‌شود.

علامه حلی حسن بن یوسف بن مطهر حلی (۷۲۶ه.ق) معروف به علامه علی الاطلاق یا علامه حلی با دانش گران قیمتی که از مقارنه آراء فقهی و اصولی شیعه و سنی و تأثیرات زمانی و مکانی به دست آورده بود، مکتب ارزشمندی را پدید آورد که آثار آن در فقه، اصول، کلام و حدیث مشهود است و بسیاری از نوآوری‌های او هر از سرلوحه کار فقیهان است.

تحقیق در فتوای نجاست چاه، روی کرد به صحیح محمد بن اسماعیل بن بزيع، (در علم فقه)، تقسیم و تنويع حدیث به صحیح، حسن، موثق، ضعیف (در علم الحدیث) و نیز آراء خاص اصولی او سبب شد تا مکتبی پر رونق تأسیس کند.

او با تألیف کتاب **تذیب الأصول، مبادئ الوصول ونهاية الأصول**، مجموعه ارزشمندی در علم اصول تنظیم فرهنگ شیعه کرد. علامه حلی مجموعه‌ای غنی به ویژه در کتاب **نهاية الأصول** ارائه داد. این کتاب با خبرهای زیادی که درباره تصحیح آن شنیده‌ایم هنوز به سامان فرهنگی نرسیده است. پس از دوره علامه حلی، اصول، دوره نسبتاً رکودی را گذراند و هیچ کتاب گریه اصلی تألیف نشد.

در قرن یازدهم و دوازدهم با ظهور حرکت اخلاقی‌گری به وسیله ملا امین استرآبادی (۱۰۳۴ه.ق) علم اصول ضربه سنگینی به خوردید و پایه‌های آن لرزان شد. ملا امین استرآبادی و پیروان او همچون شیخ یوسف خراسانی (۱۱۸۶ه.ق) باعث از رونق افتادن علم اصول شدند هرچند به تیز حملات آنها سواد قرآن و عقل است و به کارگیری سائر مباحث علم اصول مانند مباحث الفاظ، اصول عملیه و تعارض و تعادل در کتاب **الحدائق الناظرة** موج می‌زند. بحرانی محقق سبزواری (۱۰۹۰ه.ق) را به خاطر انکار ظهور صیغه امر در وجوب تا حد کفر نسبت می‌دهد اما در قرن یازدهم با همه این شکست‌ها که برای اصول پدید آمد فاضل تونی دست به تألیف کتاب **الوافیه** زد.

شیخ بهائی (۱۰۳۰ ه. ق) با تألیف **زبدة الاصول** و شرح آن توسط شاگردش فاضل جواد (۱۰۴۰ ه. ق) رومقی به اصول داد تا آن که در آغاز قرن سیزدهم علامه محمدباقر وحید بهبهانی (۱۲۰۵ ه. ق) توانست با رونق بخشیدن به حوزه علمی و مجادلات بسیار با سر دسته اخباری‌ها یعنی محدث بحرانی، شورش اخباریان را خاموش کند. و بهبهانی با آوردن به کربلا - که مرکز اخباری بود - توانست حوزه درس پر رونقی بسازد و شاگردان ممتاز از درس بحرانی روی بپرتابند و به درس وی روی آورند. وحید بهبهانی درس بحرانی را تحریم نمود و نماز جماعت او را نیز ممنوع کرد؛ در حالی که بحرانی شاگردانش را به حضور در درس وحید ترغیب و آنان را به حضور در جماعت او شویق می نمود.

علامه بهبهانی توانست احزاب مکتب اصول، رجال و فقه مکتب جدیدی را پایه‌ریزی کند و رونقی دوباره به فقه و رجال و اصول بخشد. از حوزه درس او مجتهدان برجسته و رجالیان نامور و استادان ماهر برخاستند که از جمله آنان می توان به اسطوانه های علمی ذیل اشاره کرد:

۱. علامه ملا مهدی نراقی .
۲. علامه محمد باقر شفتی (۱۲۶۰ ه. ق).
۳. سید علی طباطبائی (۱۲۳۱ ه. ق).
۴. میرزا ابوالقاسم قمی (۱۲۲۱ ه. ق).
۵. ابو علی محمد بن اسماعیل حائری (۱۲۱۶ ه. ق).

مکتب وحید بهبهانی تا حدود صد سال مورد توجه فقهاء بود، تا آن که با ظهور شیخ مرتضی انصاری (۱۲۸۱ ه. ق) اصول رونقی تازه یافت، که شاید در هیچ یک از دوره های پیشین این رونق را نداشت. او با نوآوری ها و نقادی های خود و تألیف کتاب **فرائد الاصول** و سائر آثار فقهی و اصولی توانست مکتبی را پی‌ریزی کند که

هنوز با گذشت ۲۰۰ سال آثار او محور بحث اصولی و فقهی فقهاء است.

پس از شیخ انصاری، آخوند ملا محمد کاظم هروی خراسانی (۱۳۲۹ ه. ق) - از شاگردان میرزای شیرازی بزرگ - توانست اصول را تهذیب و تنقیح کند و آراء شیخ انصاری را مورد نقادی و کینجکاوی قرار دهد. کتاب **کفایة الاصول** او که دارای متنی موجز و استوار است حاوی آراء او می باشد.

پس از آخوند خراسانی سه فقیه مهم اصولی در نجف ظهور کردند و آراء استاد خود را به نقد کشیدند: مکتب میرزا حسین نائینی (۱۳۵۵ ه. ق)، مکتب آغا ضیاء عراقی (۱۳۶۱ ه. ق) و مکتب آیه الله محمد حسین اصفهانی. آثار آیه الله خوئی در دوره اخیر تحریری از مکتب آنها - نگاهی نوبه آن مکاتب است، عالمان شیعه، علم اصول را به مرحله ای رساندند. مرحوم آیه الله العظمی بروجردی (۱۳۸۰ ه. ق) از تورم آن گله مند بود.

در بررسی کتاب های فقهی، حقیقت این موضوع و نیاز و یا عدم نیاز به مباحث علم اصول نمایان می شود. گروه اصول با هدف تأمین این فرآیند تکاپو داشته، و توانسته با تدوین فیش های اصولی این حقیقت را بیان کند. اما سوگمندانه نتوانست این امر را به مقصد رساند. شمه ای از آن زحمات را در معجم موضوعی و ترتیبی خود را نشان داده است و میزان روی کرد هر فقیه به علم اصول، و میزان کاربری موضوعات علم اصول در هر کتاب فقهی روشن شده است. پس تکلیدی برای آشنائی با کتاب های فقهی، مکتب ها و آراء هر فقیه باشد.

پژوهشگران گروه اصول، کسانی بودند که در زمینه تدریس اصول سابقه داشته، و با کتاب های فقهی آشنا بودند و بیشتر از اساتید فقه و اصول حوزه علمیه مشهد بودند. گروه اصول مهم ترین طرحی را که در پیش روی خود داشت همان طرحی بود که به وسیله استاد صالحی پی ریزی شد، و در بخش برنامه ریزی دفتر تبلیغات

تصویب شده بود. عصاره این طرح چنین بود که مباحث علم اصول از کتاب‌های فقهی استخراج شود؛ یعنی از اول تا آخر یک کتاب فقهی تمام مباحثی که در آن کتاب برای آنها به قواعد اصولی استدلال شده، استخراج گردد. در این طرح بسیار بزرگ کتاب‌های فقهی به چهار دوره تقسیم می‌شد: دوره متقدمان، دوره متأخران، دوره متأخری المتأخران و دوره دویست ساله اخیر پس از شیخ انصاری (۱۲۸۱ ه. ق).

اهداف طرح

۱. استخراج مباحث اصولی و شناخت میزان استدلال به مباحث علم اصول.
۲. سنجش علمی و فقهی یک فقیه مبتنی بر شناخت اندازه و میزان به کارگیری علم اصول توسط وی.
۳. تهیه مثال‌های عملی برای علم اصول و در نتیجه کم کردن فاصله بین علم اصول و فقه و کاربردی کردن علم اصول. توضیح آن که آنچه در درس‌های فقه رایج است، آن است که علم اصول بدون هیچ مثال کاربردی در فقه تدریس می‌گردد، از این رو طلبه درس خارج به سهولت نمی‌تواند برای مباحث علم اصول مثال ذکر کند. اساتید، درس اصول را بدون فقه و درس فقه را بدون اصول تدریس می‌کنند و اگر سؤال شود مثالی درباره انقلاب نسبت ذکر گردد ممکن است به آسانی پاسخی نداشته باشد. چه بسا هدف پروژه گروه اصول همانند درس فقه و ترکیب در نحو و صرف و علوم بلاغی و ادبی بود، یعنی قواعدی که یک دانشجو باید آن را در میدان عمل نیز به کار گیرد و در قرائت احادیث و آیات اعمال کند.

تاریخ شروع طرح

اولین فعالیت گروه اصول که بر عهده اینجانب گذاشته شد، آن بود که فهرستی از کتاب‌های فقهی تهیه شود. این کار انجام شد و حدود ۵۰ عنوان کتاب فقهی از دوره متقدمان تا زمان صاحب جواهر الکلام شناسایی شد؛ بدین معنی که از زمان شیخ

صدوق محمد بن علی بن بابویه قمی (۳۸۱ هـ. ق) دوره متقدمان شروع شد و تا زمان محقق اول جعفر الحسن نجم الدین حلی (۶۷۵ هـ. ق) ادامه یافت، در این دوره کتاب‌های فقهی فتوائی و کتاب‌های فقهی استدلالی مورد توجه قرار گرفت، و از دوره محقق حلی تا دوره صاحب جواهر الکلام؛ یعنی عصر شیخ محمد حسن نجفی (۱۲۶۶ هـ. ق) ادامه یافت، در این دوره موسوعه‌های فقهی مفصلی همچون مختلف النعمه، منتهی المطلب از علامه حلی و مسالك الانهزام از شهید ثانی و مجمع الفائدة والبرهان و مؤیدیه‌های مفصل‌تر همچون مفتاح الکرامه والحدائق الناضره مورد توجه قرار گرفت.

در بین کتاب‌های فقهی از کتاب یک جلدی تا ۲۰ جلدی وجود داشت. و هر عنوان فقهی یک کتاب شامل می‌شد مثلاً الحدائق الناضره در ۲۵ جلد و ملحقات آن در دو جلد بود؛ چاپ کتاب‌ها هم به ندرت گرفته شد. ابتدا کتاب‌های چاپ جدید مورد توجه قرار گرفت و در صورتی که چاپ جدید و تحقیق شده‌ای از کتاب نبود، چاپ‌های حجری مورد استفاده قرار می‌گرفت. نمی‌توان ادعا کرد هر کتاب فقهی که چاپ شده و مورد توجه و عنایت بزرگان بوده، در این طرح مورد توجه بوده است، مگر کتاب‌هایی که بعدها از نسخه خطی تبدیل به نسخه چاپی شده باشند، که بسیار محدود است همچون کتاب غایة المرام از فاضل صیمری و شرح شرائع الاسلام است و بسیار مورد توجه فقها خصوصاً شیخ انصاری بوده است. این کتاب در این طرح مورد توجه قرار نگرفته است، زیرا در آن زمان این کتاب چاپ نشده بود و یا کتاب معالم الدین ابن قطان که دوره فقه فتوائی است و صاحب جواهر الکلام در مجلدات او آخر جواهر الکلام بدان اشاره دارد ولی اخیراً چاپ شده است. فهرست کتاب‌های فقهی که مورد توجه بوده با تمام خصوصیات آن در جای خود ذکر شده است.

گونه فیش برداری

اولین گروه از دوستان زیر نظر استاد صالحی آموزش و توجیهات لازم را برای شیوه فیش برداری مباحث اصولی دیدند و ابتدا کتاب‌هایی را تمرینی کار کردند تا مهارت لازم را بدست آورند، سپس هر روز فیش‌های گوناگون تمرینی و آموزشی خوانده می‌شد و بحث پیرامون آن صورت می‌پذیرفت، تا چگونگی استدلال به یک عده اصولی در فرع فقهی مورد شناسائی قرار گیرد، پس از مهارت کامل دوستان فیش برداری رویش شد. پس از فیش برداری مشکلات فیش‌ها و موضوعات و بررسی پایه‌های فیش‌ها که نیازمند تحقیق بود بر عهده اینجانب بود. کار فیش برداری و به دست آوردن پایه خوبی طی می‌کرد تا آن که استاد صالحی به قم منتقل شدند و گروه اصول در چند سریع در کار زمان حضور استاد صالحی را نداشت ولی کار خود را ادامه می‌داد و این حضور در نزد ایشان متکفل گروه اصول بودم و به عنوان مسؤول گروه اصول معرفی شدم. انتساب کتاب‌ها، بررسی فیش‌های مشکل و رفع مشکلات فیش‌ها به عهده اینجانب بود. کار پژوهشی گروه اصول تا دوره صاحب جواهر الکلام ادامه یافت ولی متأسفانه پس از آن به تدریج ایجاد شد، و گروه اصول منحل شد.

به پیشنهاد استاد صالحی تمام فیش‌های کتاب‌های فقهی منتهی به صورت مقاله درآوردم تا برای ویراستاری و آماده‌سازی چاپ به ایشان تقدیم کنم. مقالات براساس موضوعات اصولی بود و در ذیل هر عنوان اصولی فیش‌های آن را به صورت مقاله درآورده‌ام و به منظور تسریع در کار با مشاوره استاد صالحی به قم فرستادم. متأسفانه مرسوله اینجانب پس از رؤیت استاد صالحی در دفتر تبلیغات قم در نقل و انتقال‌ها مفقود شد. برای پی‌گیری موضوع یکی دو سفر به قم رفته و تفحص کردم و جناب استاد صالحی نیز دستور پیگیری دادند، ولی پیگیری‌ها به جایی نرسید، و

کارتن حاوی مقالات و فیش ها گم شده بود! ولیس هذا اول قارورة كسرت فی الاسلام.

اینجانب فیش های اصول را حفظ کرده و در نگهداری آن کوشیدم. مدتها در تفکر بودم که آسان ترین راه برای استفاده از این فیش ها چیست؟ سرانجام به فکر افتادم تا حدّا دو نوع معجم از آن ها تهیه کنم. من به تنهایی کار را نسبت به فیش های باقی مانده بسی از دوره محمد بن ادریس حلّی (۵۹۸ هـ. ق) صاحب السرائر الحاوی للفقّه شروع کردم و تمام آنها را به ترتیب فهرست بندی کردم، ابتدا یک معجم ترتیبی را تهیه کردم در موضوعات اصولی هر کتاب فقهی را فهرست کردم مثلاً موضوعات اصولی کتاب مسند الشیعه را استخراج کرده، و در یک بخش مجزاً قرار دادم؛ پس از آن کتاب بسوی و

با پایان کار معجم ترتیبی روشی را که مثلاً مولی احمد تراقی در کتاب مستند الشیعه به چه موضوعات اصولی تمسک کرده است، و چه اندازه موضوعات اصولی مورد توجه و عنایت وی بوده است؟

معجم موضوعی

پس از آن به تنهایی شروع به تألیف معجم موضوعی کردم؛ یعنی عنوان یک موضوع اصولی را در تمام کتاب های فقهی، فهرست نمودن آن فهرست کردن فیش ها آغاز شد و مجموعه ۵۱ عنوان کتاب را که در میان آن موضوعات بزرگ فقهی همچون ریاض المسائل و مفتاح الکرامه والحدائق الناضره و... با حوصله فراوان و مقابله مجدد فیش ها و گاه تطبیق فیش های کتاب های چاپ قدیم با چاپ جدید آن کتاب که به بازار نشر عرضه شده بود، منظم و مرتب کردم. برای تهیه این دو معجم حدود هفت سال از عمر و وقت خویش را بدون چشم داشت به آن اختصاص دادم و هدفم فقط آن بود زحمتی که دوستان عزیزم تحمل کرده اند بی ثمر

نماند. من در دوره تحصیل و حیات علمی خود، دوره‌ای همانند این دوران را سراغ ندارم که با جدیت و سختی و پر تلاش مشغول کار علمی باشم؛ گاهی از صبح که روی صندلی می‌نشستم فقط برای نماز بلند می‌شدم، یکسره روزی ۱۶ ساعت کار می‌کردم. در مدت هفت سال مجموعه این فهرست‌ها تدوین شد و در چهار مجلد ۵۰۰ صفحه‌ای A4 در ۱۲ نسخه به وسیله دانشگاه رضوی تکثیر شد. محققان و پژوهشگران که از وجود این دو معجم موضوعی مباحث علم اصول و معجم ترتیبی مباحث اصول با خبر شدند در تهیه پایان‌نامه‌های خود به آن محتاج بوده، و مورد استفاده آن را دادند.

اینجانب برای انتشار آن فعالیت فراوان کردم و آن را به مراکز علمی قم عرضه کردم، سرانجام با همت استاد الحاج و همکاری برخی از دوستان دفتر تبلیغات قم در بوستان کتاب قم نشر آن مورد تأیید قرار گرفت. کار تصحیح آن به مشهد واگذار شد تا اگر مشکلی در تصحیح آن پیش آمده باشد برطرف گردد، اما تصحیح و آماده‌سازی آن برای چاپ کار ساده‌ای نبود، حدود یک سال کار بر زمین ماند. روزی استاد حجة الاسلام والمسلمین دکتر حسین انصاری رئیس گروه فقه دفتر تبلیغات مشهد گفت: گروه فقه آمادگی دارد تا کار معجم را بپذیرد و تصحیح آن را بر عهده گیرد، جلسه‌ای تشکیل شد، و طی قراردادی، کار تصحیح معجم مباحث علم اصول از طریق معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات خراسان رضوی و گروه فقه موکول شد، از دوستانی که در گروه فقه به‌طور فعال کار تصحیح معجم را بر عهده می‌گرفت دوست عزیزم جناب آقای محمدباقر مشکیباف بود. پس از رایزنی‌ها و جلسات مکرر در گونه تصحیح و آماده‌سازی این معجم کار شروع شد. در این میان نکته بسیار مهمی مورد توجه قرار گرفت و آن اینکه موضوعات فقهی نیز اضافه شود و در مقابل هر آدرس اصولی عنوان فقهی آن نیز ذکر گردد.